

## اعزام محصلین به اروپا در عهد احمدشاه قاجار

علی پویان مهر

مهاجرت برای کسب علم و دانش از جمله پدیده‌هایی است که ریشه کهن تاریخی دارد. حتی در ادوار بسیار دور و متقدم نیز همواره کسانی بودند که به هر دلیل نظیر نبودن امکانات در محل زندگی‌شان یا پایین بودن سطح اطلاعات صاحبان فن و مدرسان موجود، برای فراگیری حرفه و فن علوم عملی یا نظری از جایی به جای دیگر می‌رفته‌اند. پس از رواج کاغذ و متداول شدن آموزش مکتوب، رفتن از روستایی به روستای دیگر، از روستا به شهر، یا از شهری به شهر دیگر و از کشوری به کشور دیگر برای کسب علوم متداول، یکی از صور مهاجرت بوده است که می‌توان آن را مهاجرت علمی نامید.<sup>۱</sup> از جمله این مهاجرت‌های علمی، مسئله تحصیل در خارج از کشور است که هر چند قبل از دوره قاجار نیز موارد بسیار معدود آن را در تاریخ ایران میتوان سراغ گرفت؛ اما اوج این مهاجرت‌ها و اعزام محصلین برای کسب علم و دانش، در روزگار پادشاهان قاجاری به منصفه ظهور رسید.

تا قبل از تأسیس دارالفنون و شاید بتوان گفت انقلاب مشروطه و گسترش و بسط مدارس جدید در ایران توسط میرزا حسن رشدیه، تعلیم و تربیت اختصاصی یعنی آموزش و سواد خواندن و نوشتن فارسی و قرآن و شرعیات در مکتب خانه‌ها انجام می‌شد و این وظیفه در اکثر نقاط ایران بر عهده ملایان و روحانیون بود. بدین ترتیب نظم و تربیت و فرهنگ جامعه ایرانی تقریباً به طور کامل در اختیار طبقه متنفذ روحانی قرار داشت و کسب سواد فارسی، هم از لحاظ کیفیت و هم از لحاظ کمیت بسیار محدود بود. شاهزادگان و اعیانزادگان معمولاً به مکتب نمی‌رفتند و معلم خصوصی یا به اصطلاح آن روز «معلم سرخانه» به آن‌ها

۱. کارشناس کتابداری و اطلاع‌رسانی کتابخانه مجلس شورای اسلامی.

۱. سرمد، غلامعلی. اعزام محصل به خارج از کشور در دوره قاجاریه، تهران: چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۷۲، ص ۱۳.

درس می‌داد و در میان این طبقه، کسانی بودند که با بعضی از علوم غیر مذهبی آشنا می‌شدند.<sup>۱</sup> یورش روس‌ها به ایران در سال ۱۲۱۸ ق نخستین عاملی بود که عباس‌میرزا و وزیر فرزان‌اش قائم‌مقام را به واقعیت انحطاط دیرینه ایران زمین واقف ساخت و باعث شد تا ولیعهد فتحعلی‌شاه که به تعلیم و هدایت کشورش می‌اندیشد؛ برای نجات ایران از انحطاط و هدایتش به سوی ترقی، دست به اصلاحاتی زند که این اصلاحات از سوی مورخان همان دوران، به ایجاد بنای جدید اشتهار یافت. محور اساسی این اصلاحات یا مشخصات عمده این بنای جدید عبارت بود از:

۱- اصلاح و نوسازی قشون ۲- تنظیم قواعد تازه برای ملک‌داری و مالکیت و برانداختن سنت فروش ایالات ۳- تفکیک خالصه‌ها از موقوفات ۴- تعیین روز مظالم برای رعیت ۵- تأسیس چاپخانه برای دفع اجحاف به رعایا ۶- اعزام محصل به فرنگ برای انتقال علوم جدید به کشور ۷- تشویق صنایع و تلاش جهت استقلال اقتصادی و ۸- ترویج اندیشه اتحاد اسلامی میان ایران و عثمانی.

ملاحظات عباس‌میرزا به احوالات ملک و ملت در روسیه، مشاهده نظم، سلامت، انضباط و اعتقاد به وظایف محوله در میان تمامی اعضای قشون روس، توانایی‌های سربازان این کشور در آموختن قواعد مشق نظام و اصول و روش‌های جنگ منظم و سرانجام همت تمامی دولتمردان و صاحب‌منصبان روسیه در حصول به مطامع نظامی حکومت خویش در تسخیر قفقاز و خیانت‌پیشگی و بلاهت و سفاقت کثیری از رجال دارالخلافه تهران و خوانین قفقاز و آذربایجان و بی‌اعتنایی آنان نسبت به سرزمین و منافع ملی خویش و شتاب و سبقت ایشان بر یکدیگر در سازش با اجنبی، به مرور، ایام خودآگاهی نوری در وجود عباس‌میرزا را وسیع‌تر کرد و او را به مرحله جست‌وجو و پرسش‌های مکرر برای یافتن پاسخ و خاتمه دادن به دغدغه‌های ذهنی خویش کشاند.<sup>۲</sup> او در حالی که سخت درگیر پرسش‌های ذهنی خویش بود در دیدار با فرستاده ناپلئون گفت: «نمیدانم این قدرتی که شما اروپایی‌ها را بر ما مسلط کرده چیست و موجب ضعف ما و ترقی شما چه؟ شما در قشون جنگیدن و فتح کردن و به کار بردن قوای عقلیه متبحرید و حال آنکه ما در جهل و شعب غوطه‌ور و به ندرت آتیه را در نظر می‌گیریم. مگر جمعیت و حاصل‌خیزی و ثروت مشرق زمین از اروپا کمتر است؟ یا خدایی که مراحمش بر جمیع ذات عالم یکسان است خواسته شماها را بر ما برتری دهد؟ گمان نمی‌کنم، اجنبی حرف بزن! بگو من چه باید بکنم که ایرانیان را هشیار نمایم؟»<sup>۳</sup>

اعزام محصلین به خارج از کشور از سال ۱۲۲۶ ق در زمان ولائیتعهدی عباس‌میرزا و صدارت میرزا بزرگ قائم‌مقام فراهانی مورد توجه دولت قرار گرفت. برای نخستین بار، دولت به هزینه خود اشخاصی را برای تحصیل علوم و فنون مختلف در زمینه پزشکی، فنی و مهندسی، علوم و ادبیات، نقاشی، نظامی‌گری به

۱. شمیم، علی‌اصغر. *ایران در زمان قاجار*، تهران: انتشارات مدبر، ۱۳۷۴، ص ۳۵۵.

۲. زرگری‌نژاد، غلامحسین. *عباس‌میرزا نخستین معمار بنای نظام جدید در ایران معاصر*، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران، ۱۳۸۲، ص ۸۲.

۳. حائری، عبدالهادی. *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷، ص ۳۸.

انگلستان اعزام نمود.<sup>۱</sup> وی همچنین در مطبوعات انگلستان به منظور آنکه متخصصان و مهاجران کشاورزی بتوانند به ایران بیایند و در منطقه مهاباد، مستعمره‌نشین ایجاد نمایند اعلام آگهی داد.<sup>۲</sup> به علاوه تلاش نمود تا در تبریز توسط مسیونرهای مذهبی مدرسه جدید ایجاد نماید تا مسلمانان و مسیحیها با هم در آنجا به تحصیل بپردازند.<sup>۳</sup> در این سال با پیشنهاد نایب‌السلطنه و موافقت سر هافورد جونز وزیرمختار انگلیس در ایران، نخستین ایرانیان اعزامی به فرنگ مرکب از دو نفر به نامهای محمدکاظم پسر میرزا عباس نقاش‌باشی و حاجی‌بابا افشار، روانه انگلستان شدند. مقرر شده بود که آنان در رشته نقاشی و نقشه‌کشی تحصیل کنند. در سال ۱۲۳۰ ق گروه دوم از محصلین اعزامی، روانه انگلستان شدند که عبارت بودند از: ۱- میرزا رضا برای تحصیل نظامی ۲- میرزا جعفر حسینی جهت تحصیل نظامی ۳- میرزا جعفر طبیب برای تحصیل پزشکی و شیمی ۴- میرزا صالح شیرازی جهت آموختن زبان اروپایی و فنون چاپ ۵- محمدعلی چخماق‌ساز برای فراگیری فنون ساخت اسلحه.<sup>۴</sup>

اما دلیل اصلی اعزام این دانشجویان به فرنگ و غرض از زحمت به کارگزاران آن دولت بهیه، جز این نبود که هر یک از شاگردان در علمی از علوم بدیعه و صنایع غریبه و در نزد عالمان و استادان کامل تحصیل کنند.<sup>۵</sup> در نامه میرزا آقاسی به گیزو کاردار سفارت فرانسه می‌خوانیم که «دولت ایران قصد داشت این شاگردان را بعد از پایان کار و مراجعت به خدمت دیوان بگمارد و یک نوع امتیازی بدهد. از این رو دست از سفارش و سخت‌گیری بر نمیداشت، اینان می‌بایست به اقصی‌الغایه در کسب علوم و فنون می‌کوشیدند. اوقات را با کمال دقت و اهتمام و اجتهاد می‌گذراندند و در اندک مدت به کمالات نائل می‌آمدند. پس بهتر آنکه مسئولان خارجی، عنان اختیار را به دست این دانشجویان نسپارند. جز ایام تعطیل که البته قاعده متداوله است اینان در هیچ وقت من‌الوجه نباید به اختیار خود حرکت کرده و از تحصیل بازمانند و هزینه تحصیل دانشجویان هم باید توسط معتمدی به آنان برسد و در دست خودشان نباشد تا زیاده‌روی در خرج نکنند و از مقصود و مطلوب بازمانند».<sup>۶</sup>

در دولت میرزا آقاسی و پادشاهی محمد شاه، وی مصر و فرانسه را برای اعزام دانشجویان ایرانی برگزید. نخست بنا بود پنجاه نفر حسب‌الخواهش محمدعلی پاشا راهی قاهره شوند و توصیه شده بود که دانشجویان حتی‌المقدور نجیب‌زاده باشند و دو نفر عاقل و ریش‌سفید نیز به همراه خود ببرند تا در مصر جای بحث نباشد که بنا به دلایلی این سفر انجام نگرفت.<sup>۷</sup> از سال ۱۸۴۴م تا ۱۸۴۷م دو دسته دیگر از شاگردان ایرانی

۱. دروویل، گاسپار. سفرنامه، ترجمه جواد محیی، تهران: گوتمبرگ، ۱۳۷۷، ص ۱۷۳.

۲. الگار، حامد. دین و دولت در ایران، تهران: توس، ۱۳۵۶، ص ۱۳۲.

۳. الگار، همان، ص ۱۳۲.

۴. وایت، سر دنیس. انگلیسیان در ایران، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: انتشارات دنیا، ۱۳۵۷، ص ۱۵۰.

۵. ناطق، هما. ایران در راه بی‌فرهنگی، تهران: انتشارات خاوران، ۱۳۸۶، ص ۲۴۴.

۶. نامه میرزا آقاسی به گیزو، مکاتبات سیاسی ایران و فرانسه در سال ۱۲۶۳، به نقل از هما ناطق، همان، ص ۲۴۵.

۷. آدمیت، فریدون. فکر آزادی در نهضت مشروطیت ایران، تهران: سخن، ۱۳۴۰، ص ۴۰.

اعزام محصلین به اروپا در عهد احمدشاه قاجار / علی یویان مهر

به نام‌های حسینقلی خان پیشخدمت خاصه جهت آموختن فنون نظامی، میرزا رضاخان برای آموختن فن نقاشی و چینی‌سازی، میرزا زکی خان جهت فراگرفتن علوم هندسه و نظام، میرزا حسین خان سپهسالار مشیرالدوله و همچنین میرزا یحیی خان که بعدها وزیر و مشیرالدوله سوم شد؛ اعزام فرنگ شدند.<sup>۱</sup> از دیگر شاگردانی که با بورس تحصیلی در رشته مهندسی در این زمان برای تحصیل در رشته مهندسی به فرانسه فرستاده شد، میرزا ملکم خان بود.

در دوران پادشاهی ناصرالدین شاه و باز شدن ارتباطات بیشتر ایرانیان و اروپاییان، از سوی دیگر گسترش سریع ارتباطات در قرن نوزدهم در قالب پیدایش تلگراف، راه آهن، کشتی بخار، صنعت چاپ، ترجمه کتاب، روزنامه و مهم‌تر از همه مسافرت ایرانیان به خارج از کشور باعث شد تا ایرانیان بیشتر با جوامع دیگر آشنا شوند<sup>۲</sup> و بیش از پیش به عقب‌ماندگی و واپس‌زدگی کشورشان واقف شوند و تلاش کنند تا به هر نحو از میزان عقب‌ماندگی بکاهند. در این دوران جدا از امتیازات گوناگونی همچون استخدام مستشاران خارجی که به دول اروپایی داده شد؛ محصلین زیادی به کشورهای اروپایی برای کسب علم و دانش اقدام به مهاجرت نمودند که همین محصلین در ادوار بعدی پایه‌گذاران و منورالفکران جنبش مشروطه شدند.

می‌توان گفت از زمان ولیعهدی عباس میرزا تا پایان سلطنت احمد شاه و انقراض این خاندان به استثنای محمدعلی شاه قاجار، افراد نسبتاً زیادی به صورت‌های مختلف در خارج از ایران به تحصیل پرداختند که از این میان، معدودی ابتدا برای تصدی مشاغل سیاسی و اداری به خارج اعزام شدند<sup>۳</sup> و عده‌ای دیگر با هزینه شخصی خود به این مسافرت‌ها اقدام نمودند و عده‌ای محدود نیز توسط دولت به خارج اعزام گشتند که به دلایل شخصی یا به سبب قطع کمک هزینه دولت، در نتیجه مشکلات هیئت حاکمه، با هزینه شخصی ادامه تحصیل دادند. علاوه بر این برخی از افراد نه برای تحصیل به مفهوم متداول کلمه، بلکه برای دیدن دوره‌های کارآموزی و حرفه‌آموزی نظیر شیشه‌گری، بلورسازی، قالب‌گیری، عکاسی، نقاشی و فن چاپ و غیره و یا برای تکمیل تحصیلات خود در زمینه نظری و عملی در خارج اقامت گزیدند.<sup>۴</sup>

در دوران احمد شاه قاجار و نیز بعد از انقلاب مشروطه و آغاز جنبش روشنفکری در ایران و رواج ارتباطات بیشتر ایرانیان و دول غرب، همچنین انتشار مطبوعات کثیرالانتشار، ذکر اخبار گوناگون کشورهای خارجی در این مطبوعات و مقایسه پیشرفت این دول با وضعیت کنونی ایران آن روز تلاش شد تا با استخدام مستشاران خارجی زیاد و نیز اعزام محصلین این نقیصه در کشور مرتفع شود؛ که اگر چه این عوامل در جای خود عملی پسندیده بود ولی به علل گوناگون که در اسنادی که در این نوشتار ذکر شده است به نتایج چندان درخشانی توفیق نیافت.

۱. ناطق، هما. ایران در راه بی‌فرهنگی، تهران: انتشارات خاوران، ۱۳۸۶، ص ۲۴۳.

۲. زیباکلام، صادق. سنت و مدرنیته ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران عصر قاجار، تهران: روزبه، ۱۳۷۷، ص ۱۵۵.

۳. آدمیت، فریدون. امیرکبیر و ایران، تهران: خوارزمی، ۱۳۴۸، ص ۱۶۲.

۴. سرمد، همان، ص ۱۴.

## سند شماره ۱

طهران

مجمع طرفداران حقوق وطن

تاریخ ۲۵ رجب ۱۳۴۱

مقام مقدس مجلس شورای ملی شیدالله ارکانه

البته بر خاطر محترم و کلای عظام کاملاً مبرهن است که اولین وسیله ترقی هر ملت موقوف به بسط و توسعه معارف است و معارف در چنین مملکت بدبختی که از حیث اشخاص عالم و متخصص در صنایع و فنون کاملاً فقیر است نمیتوان دایره تحصیلات را محدود به چند نفر نمود، خصوصاً که آن چند نفر هم اطفال متمولین و با ثروت این مملکت باشند. چه صرف نظر از اینکه به خوبی قادر به تربیت و تعلیم اولاد خود هستند؛ اگر بخواهند هر یک از آنها می‌توانند مخارج تحصیلی چند نفر اطفال بی‌بضاعت را هم تکفل نمایند- آیا دولت را چه وادار نموده که متقبل به مصارف تحصیل این چند نفر اطفال متمولین در اروپا گردد- تصور میکنم که بعضی آقایان نمایندگان محترم از وضعیت تحصیل اطفال متمولین ایرانی در اروپا تا اندازه‌های آگاه باشند که به واسطه تمول سرشار اولیاء خود و عادت نیاز به ناز و نعمت و عدم انس به زحمت و مشقت، خودشان را ابداً برای تحصیل حاضر نساخته و محتاج به آموختن چیزی نمی‌دانند، بلکه اگر با یک اخلاق مساله مملکتی به اروپا وارد می‌شوند به علت زندگانی آزادی که در آنجا دارند و اغلب در خانواده‌های خصوصی (پانسیون‌ها) ایام خود را به سر می‌برند و شب‌ها را با فراغ‌بال از درک لذایذ موجوده (از قبیل تأثر و غیره) بهر مند میشوند و فقط در مراجعت به وطن خود به علل مذکوره یگانه هدیه‌ای که برای خانواده و مملکت خود می‌آورند تکلم به زبان ناقص آن مملکت است که در آنجا توقف داشته و یک قسمت اخلاق فاسد و صفات رذیله که به هیچ وجه مناسبت با احتیاجات این مملکت ندارد - بلی این است ثمر و نتیجه این قبیل اطفال به اروپا. اما در مقابل می‌بینیم هر گاه یک نفر طفل یتیم بی‌بضاعت که اتفاقاً دست طبیعت بر خلاف انتظار با او مساعدت نموده و به هر وسیله خود را به اروپا برای تحصیل رسانده به خوبی دوره تحصیل خود را تکمیل و بلکه ذیفن در یکی از صنایع عالیه شده و با یک اخلاق حسنه و آمال سرشار برای خدمت به وطن عزیز خود مراجعت نموده و کاملاً وجود او مورد استفاده شده است - با این تفصیل و مقدمات فوق و قدم‌های بزرگ که در تمام دنیا برای ترقی و تربیت نوع خود خصوصاً اطفال بی‌بضاعت بر می‌دارند آیا انصاف است آن نمایندگان محترم ملت مختصر توجهی نسبت به این قبیل اطفال که یگانه سرمایه حقیقی این مملکت هستند ننموده و وجوه حاصله را از اشخاص زحمتکش این مملکت که پیوسته صرف تجملات و هوسرانی اغنیا می‌شود اقللاً تا این درجه هم راضی به صرف تربیت چند نفر اطفال آنها شود - آقایان نمایندگان، غرض حقیقی از تشکیل وزارت معارف، اداره و سرپرستی و تربیت اطفال یتیم و بی‌بضاعت عموم ملت است و الا اطفال اغنیا ابداً احتیاجی به این مسئله ندارند و حتی سر و کاری با وزارت معارف و تشکیلات آن نخواهند داشت زیرا که آنها برای تفاخر و مباحثات در نزد همگان تحصیل تفنی اطفال خود را در موقع از مد نظر دور نمی‌سازند و از هر جهت وسائل لازمه هم برای این طبقه موجود است و به هیچ وجه احتیاج به مساعدت دولت و نمایندگان ملت ندارند.

اعزام محصلین به اروپا در عهد احمدشاه قاجار/ علی یویان مهر

شماره بازیابی سند ۴/۲۶/۱۳۰۶

## سند شماره ۲

تاریخ ۸ برج ثور ۱۳۰۲  
نمره ۱۶۸

نشان شیر و خورشید  
وزارت معارف و اوقاف  
و صنایع مستظرفه  
[۱] ۳۰۱/۲/۱۵

اداره معارف

دایره مراسلات

مقام محترم ریاست مجلس شورای ملی دامت شوکته  
مرقومه محترمه نمره (۱۸۱۶۲) به ضمیمه سواد عریضه مجمع طرفداران حقوق وطن راجع به محصلین  
اعزامی به خارجه عز وصول داده [شد]. با کمال احترام خاطر مبارک را مستحضر میدارد که لایحه برای  
اعزام محصلین به اروپا به مجلس مقدس پیشنهاد شده بود که هنوز تصویب نشده و تصور نمی‌رود که با  
این بودجه فعلی که امسال برای معارف متصور است و به خرج‌های لازمه مملکتی هم وفا نمی‌کند بتوان  
شاگردی به فرنگ فرستاد تا این مذاکرات موضوع داشته باشد.

امضاء و مهر وزارت معارف

جواب به عارضین ابلاغ شود

[امضاء] یعقوب الموسوی

شماره بازیابی سند ۴/۲۶/۱۳۰۶

۲۰ ثور ۱۳۰۲

## سند شماره ۳

مورخه ۱۵ میزان ۱۳۰۰

مقام منیع ریاست محترم دارالشورای کبری ملی شیدالله ارکانه  
در تعقیب پیشنهادی که جمعی از اشخاص تحصیل کرده به مقام مقدس مجلس شورای ملی تقدیم  
داشته و تقاضا نموده‌اند که به خرج دولت عده‌ای از جوانان دیپلمه مدارس عالی داخله و خارجه را که فعلاً  
مستخدم دولت می‌باشند و اکنون هر یک نسبت به مقام خود دارای حقوقی می‌باشند به اروپا مسافرت نموده  
و در ادارات دولتی آنجا مدتی به عنوان استاژیر خدمت نموده و پس از کسب معلومات علمی و تجربیات  
لازمه به وطن خود مراجعت نموده و به جای مستشاران خارجی در ادارات مختلفه خدمت نمایند و نظر  
به اینکه این مسئله خوشبختانه مورد توجه اولیای امور واقع شده است و حقیقتاً می‌توان گفت که یکی از  
مؤثرترین وسایل اصلاح ادارات این مملکت و بی‌نیازی از مستخدمین خارجی است. لذا امضاکنندگان ذیل

اعزام محصلین به اروپا در عهد احمدشاه قاجار / علی پویان مهر

که از اعضای وزارتخانه فلاح و تجارت می‌باشیم با توجه به این نکته که البته رؤسای امور و نمایندگان محترم مراتب زحمات و تسهیلات اشخاص مورد نظر را گرفته و کسانی را انتخاب خواهند فرمود که سابقه تحصیلی و اداری خوبی داشته و پس از مراجعت بتوانند خدمات قابلی بنمایند با همین امیدواری در حضور مبارک استدعا می‌نماییم که ما را هم در عداد داوطلبان این خدمت منظور فرمایید و از بذل این مرحمت قرین تشکر و امتنان فرمایند. باقی منوط به توجهات آن مقام منبع مییاشد.

علی شیرازی	ابوالقاسم ذوالریاستین
متخصص شیمی فلاح و دیپلمه	مهندس فلاح و دیپلمه از مدرسه عالی فلاح فرانسه
عضو اداره کل فلاح و تجارت	مدیر دبیرستان برزگران کرج
صادق وثیقی	میر منصور
دیپلمه مدرسه علوم سیاسی طهران	دیپلمه از مدرسه عالی فلاح فرانسه
عضو اداره کل فلاح و تجارت	مهندس فلاح، عضو اداره کل فلاح و تجارت
شماره بازبایی سند ۶/۱۳/۲۶/۴	

#### سند شماره ۴

طهران

تاریخ ۲۵ رجب ۱۳۴۱

«مجمع طرفداران حقوق وطن»

آقایان نمایندگان، یکی از ملل شرقی اسلامی، دولت عثمانی است که از نظر حسن احتیاج و علاقه‌مندی به تعلیم و تربیت افراد مملکت خود مخصوصاً در اروپا مأمورین تعلیم و تربیت برای تفتیش حال و حسن جریان مراتب تحصیلیه و سرپرستی محصلین اعزام نموده و در چند سال قبل عده محصلین اعزامی که با مخارج دولت ترک در اروپا تحصیل می‌نمودند، بالغ بر دوازده هزار نفر بوده و همچنین دولت شرقی دیگر دولت ژاپن است که با وجود بسط معارف و مسائل هر قسم تربیت در مملکت خود هذلسنه دوازده هزار نفر شاگرد فقط در آلمان برای تحصیل دارد با این تفصیل آیا شرم‌آور نیست از طرف دولت ایران اعزام شاگرد ایرانی را به اروپا فقط منحصر به هفت نفر آن هم اطفال اشخاص متمکن تحصیل داده و قناعت نماید؟ بدیهی است در صورتی که باز هم به این عقیده اصرار فرمایند باید عدم علاقه‌مندی آن آقایان محترم را نسبت به مملکت و پیشرفت معارف که یگانه وسیله ترقی و تعالی این مملکت بدبخت است کاملاً تصدیق نموده به علاوه باید اذعان نماییم همان تصوراتی که اکثریت امروزه نسبت به زمامداران قبل داشته و دارند درباره زمامدار امروز هم که این پیشنهاد بودجه وزارت معارف را به مجلس آورده و ضمناً قسمتی از وجوه بیت‌المال مسلمین را باید صرف تحصیل جمعی اطفال فقیر بی‌بضاعت این مملکت بشود برای فرزندان خود به اسم تحصیل به اروپا داده‌اند کاملاً مورد و مصداق حاصل نموده و علاقه‌مندان به این آب و خاک مملکت بدبخت را مأیوس می‌نماید.

## سند شماره ۵

سلخ ذیحجه ۱۳۹ [۱۳]

ساحت مقدس دارالشورای ملی ایران شیداله ارکانه

البتّه بر خاطر نمایندگان محترم دارالشورای ملی پوشیده نیست که هرج و مرج و عدم انتظام ادارات و دواير دولتی بزرگ‌ترین دلیل خرابی ایران و تا زمانیکه به اصلاح ادارات مبادرت نشده ترقی و سعادت مملکت غیر ممکن و وضعیت به وخامت کنونی باقی خواهد ماند.

مجلس مقدس شورای ملی که کاملاً این حقیقت را احساس فرموده و به علاوه می‌دانست که اصلاح ادارات منوط به خدمت متصدیان عالم و بصیر می‌باشد در چند سال قبل درصدد چاره‌جویی برآمده و برای موفقیت بدین مقصود دو وسیله را در نظر گرفته و به موقع اجرا گذاشت:

۱- اعزام شاگردان ایرانی به مملکت خارجه برای تحصیل

۲- جلب مستشاران متخصص اجنبی برای تشکیل ادارات در داخله مملکت

وسیله اول به واسطه تعطیلی‌های طولانی مجلس و پیش آمد جنگ بین‌المللی و غیره پس از اندکی متروک و تنها امید اصلاح منحصر به خدمات مستشاران خارجی گردید. متأسفانه مستشاران مزبور که در هر یک از ادارات استخدام یافتند به انجام وظایف خود موفق نشده و نتایج محسوسی از عملیات آن‌ها مشهود نگردید. البتّه نمایندگان محترم که کاملاً به مسائل حیاتی مملکت احاطه دارند علت عدم موفقیت مستشاران را به خوبی احساس فرموده‌اند و فقط به‌طور تذکار ذیلاً به عرض عمده‌ترین آن‌ها جسارت می‌نماید:

۱- عموماً مستشارانی که به ایران آمدند از اشخاص طبقه چهارم و پنجم انتخاب گردیده و چون در اوطان خود مصدر خدمات بزرگی نبودند در ایران نیز نتوانستند مشاغل مهمی را که به آن‌ها رجوع میشد عهده‌دار گردند.

۲- اگر استثنائاً مستشاران خوبی هم به ایران آمدند به واسطه عدم معرفت به وضعیات محلی و ندانستن زبان فارسی کاملاً احتیاجات مملکتی را درک ننموده و بالاخره آلت اغراض و اجرای مقاصد معاونین و مترجمین ایرانی خود واقع شدند.

۳- مستشاران خارجی عموماً منافع وطن خود را بر مصالح ترجیح داده و غالباً در حوادث سیاسی اقدامات آن‌ها به ضرر مملکت خاتمه یافت.

۴- چون مستشاران علاقه دائمی به ایران نداشتند پس از انقضای کتترات، معلومات و تجاری که به قیمت گران در دوره خدمت کسب نموده همراه بردند و از مسافرت آن‌ها چیزی برای ایران باقی نماند.

نظر به این دلایل و تجارب ناگواری که به عمل آمده امروز غالب سیاسیون بر خلاف استخدام مستشاران خارجی اظهار عقیده به اصلاح امور را به دست ایرانی میدانند. ولی برای اینکه بتوانند اصلاحات را در دست



گرفته به تنظیم ادارات موفق گردند باید برای کسب علوم و فنون اداری و تکمیل نواقص اطلاعات خود به یکی از ممالک خارجه مسافرت کنند. همانطور که مضار استخدام مستشاران خارجی به عرض رسید منافع حاصله از استخدام جوانان لایق ایرانی نیز اختصاراً معروض میگردد:

۱- به جای اینکه اشخاص متوسط و بی ذکاوت اروپایی استخدام و مصدر کارهای بزرگ شوند بهترین جوانان ایران با هوش سرشار و لیاقت مسلم به اروپا رفته پس از مراجعت و کسب معلومات عالی به کارهای دولتی گماشته خواهند گردید.

۲- ایرانی تحصیل کرده مزایای علمی و اخلاقی مستشاران خوب خارجی را کاملاً دارا بوده و به واسطه تسلط به زبان فارسی و اطلاع از احوال و اوضاع مملکت و دانستن نواقص امور بهتر به اصلاح ادارات موفق می شوند.

۳- ایرانی علاقمند به ایران است و چون دائماً در این مملکت سکنی دارد بیشتر از اجانب جدیت در اصلاحات خواهد داشت.

۴- ایرانی در هیچ موقع، منافع ممالک اجنبی را به مصالح وطن خود ترجیح نمیدهد.

۵- ایرانی هر چه بیشتر در ادارات خدمت کند بر تجارب وی افزوده و مستعد خدمت گذاری می شود و هیچ وقت مانند مستشار اروپایی که به واسطه فسخ کتترات و انقضای مدت خدمت، هجرت اختیار نموده و مملکت را از تجارب و اطلاعات خود محروم نخواهد داشت. برای اینکه ایرانی ها که به فرنگ اعزام میشوند بتوانند هر چه زودتر مراجعت کرده به خدمات شایانی موفق شوند و بهتر خود را در فنون مختلف اداری متخصص نمایند لازم است اشخاص را دولت انتخاب کند که معرفت کامل به اوضاع و احوال مملکت داشته و تحصیلات مقدماتی خود را طی کرده باشند تا به این طریق مدتی به آموختن زبان و کسب معلومات اولیه اتلاف وقت نشود و ضمناً در زندگانی همه روزه و مشاهدات یومیه اوضاع مملکت خود را با ممالک متمدنه مقایسه و معایب تأسیسات ایران را درک نمایند. برای نیل به این مقصود لازم است محصلینی که به خارجه اعزام می شوند با داشتن شرایط از میان مستخدمین فعلی و از بین مدیران ادارات و دوایر دولتی انتخاب گردند و بدین لحاظ امضاکنندگان ذیل عریضه، اشخاصی هستند که سابقاً تحصیلات خود را در اروپا نموده و چندین سال است که در دوایر دولتی متصدی خدمت بوده و حالیه نیز می باشند، داوطلبانه پیشنهاد ذیل را به ساحت مقدس دارالشورای ملی تقدیم می دارند. نمایندگان محترم در تصویب و اجرای آن مساعدت فرمایند.

۱- یک عده از مستخدمین ادارات که بالغ بر چهل نفر باشد به اروپا یا آمریکا اعزام شوند.

۲- این چهل نفر از میان اشخاصی انتخاب شوند که سابقاً به اروپا رفته و یا در ایران تحصیلات رضایت بخش نموده و یک زبان خارجی را به طرز کامل بدانند و حتی المقدور در ادارات دولتی مشاغل نسبتاً مهمی را اشغال نموده اند.

۳- مستخدمین مزبور با عطف به نظر سوابق و معلومات و استعداد آن ها به شعب مختلف فنون اداری منقسم و متعهد شوند در مدت معینی یک رشته تحصیلاتی که لازم باشد انجام دهند و در تمام مدت اقامت

اعزام محصلین به اروپا در عهد احمدشاه قاجار/ علی یویان مهر

خود در خارج و وزارتخانه‌های مربوطه آن مملکت خدمت نمایند.

۴- در مدت مسافرت راپورت‌های ماهیانه راجع به مشاهدات خود به وزارتخانه متبوعه ارسال و دائماً برای امور اداری در مکاتبه باشند.

۵- از طرف دولت در هر ماه حداقل یک صد تومان به هر محصل پرداخت گردد.

۶- مستخدمینی که مسافرت مینمایند کار اداری آن‌ها محفوظ بوده و از طرف دولت در موقع مراجعت به آن‌ها خدمتی که متناسب با مشاغل آن‌ها باشد رجوع گردد.

چنانچه ملاحظه می‌فرمایید در ماه، مخارج این عده از چهار هزار تومان تجاوز نخواهد کرد و البته این وجه در مقابل فواید بزرگی که در آتیه مملکت خواهد رسانید اندک می‌باشد و چه بسا مخارج بیهوده در بودجه وزارتخانه‌ها با نداشتن این نتایج مستحسن همه ماهه تادیه میشود. بر سبیل مثال معروض میداریم که بودجه آبدارخانه و چای وزارتخانه‌ها به مراتب از این منبع مهم‌تر و بیشتر است.

نیز در خاتمه لازم می‌دانیم به عرض این نکته جسارت نماییم که امضاکنندگان ذیل به هیچ وجه مخالف با اعزام اطفال خردسال و شاگردان مدارس به اروپا نبوده و برخلاف، بی‌نهایت مبادرت به این اقدام را لازم می‌شماریم. فقط چون وجود یک عده مستخدم متخصص و عالم را هر چه زودتر در ادارات دولتی برای مبادرت به اصلاحات لازم می‌دانیم پیشنهاد فوق را که یگانه وسیله نیل به آن مقصود است به پیشگاه مقدس دارالشورای ملی تقدیم داشتیم.

مدیر غرب وزارت داخله: مشار اعظم

بقاء السلطنه

مدیر فلاحه: سعید نفیسی

رئیس محاسبات وزارت صحیحه: حسینی

مدیر دارالترجمه وزارت صحیحه: ناصرقلی اردلان

رئیس احصائیه بلدیة تهران: حسین افشار

امیر امجدی - حسین جلالی

رئیس کابینه اول بلدیة: شرف‌الملک

شماره بازایی سند ۴/۲۶/۱۳/۶

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

سند شماره ۶

[۱۳]۰۲/۱/۲۱

مقام منیع حضرت اشرف آقای رئیس مجلس شورای ملی دامت شوکتہ

چون طرفداری و توجه حضرت اشرف را به عموم محصلین معطوف و متوجه می‌دانم لهذا برای خاطر مبارک عرض می‌کنم چهار نفر محصلینی را که برای تحصیل اروپا، وزارت معارف به مجلس مقدس پیشنهاد کرده، این فدوی سید علی فخرایی محصل دارالفنون جزو آن‌ها بودم. سه نفر از آن‌ها که پسرهای آقای فرزین و صوراسرافیل بودند تصویب و فدوی هنوز به حال بی‌تکلیفی باقیست. استدعا دارم نظر به شیوه ستوده علم‌دوستی و نوع‌پروری به کمسیون محترم مجلس ابلاغ محترم صادر شود که بنده را از نعمت تحصیل محروم ننموده و از این اختلال و دماغ‌سوختگی که از تبعیض و ستمدید بدبختی حاصل

اعزام محصلین به اروپا در عهد احمدشاه قاجار / علی پویان مهر

شده خلاص شوم.

این توجه حضرت اشرف و نمایندگان محترم اعضای کمیسیون مجلس را ابدالدهر فراموش نکرده خود را پس از تحصیل برای خدمات و فداکاری ملت ایران حاضر خواهم کرد. خدا، وجدان شاهد خواهد بود که به عزت و شوکت مستدام باد.

[امضا] سید علی فخرایی

کوچه مشیرالدوله روبروی خانه امیرافضل

جواب منوط به محل نهاد دولت است اگر هر سه اقدام شود

شماره بازیابی سند ۴/۲۶/۱۳/۶

## سند شماره ۷

۲۶ ثور ۱۳۰۰

به استحضار حضرت اشرف آقای مؤتمن الملک دامت شوکت به عرض ساحت مجلس شورای ملی میرساند یک برادر و دو پسر بنده در اروپا تحصیل مینمایند. دو نفر آن‌ها ده سالی است رفته‌اند، یکی قریب دو سال می‌شود. آن دو نفر اول یکی در رشته مهندسی کار کرده و یکی در رشته معلمی، که سه سال دیگر باید دیپلمه شده مراجعت نمایند. سومی که جدیداً رفته پس از اتمام مقدمات در رشته مالیه وارد خواهد شد. تا دو سال قبل آن دو نفر را از خود مخارج می‌دادم و قدر بین هم حقوق مورثی خانواده داشتند که ضمیمه شده و کفایت مخارج تحصیلی آن‌ها را می‌کرد. پس از اینکه زندگانی در اروپا سخت و گران شد، یکنفر هم بر آن دو افزوده گردید و بنده هم به واسطه بی‌کاری و عسرت نتوانستم به آن‌ها کمک نمایم. ماهی شصت تومان در کابینه آقای سپهدار اعظم به اسم غلامعلی خان اخوی و ابوالحسن خان بنده‌زاده تصویب گردید که با حقوق شخصی خودشان ضمیمه کرده تکمیل تحصیل نمایند. به طوری که ذیلاً شرح خواهم داد آن کمک خرج دولت را با حقوق شخصی آن‌ها مخلوط کرده که به هر کدام در ماه سی تومان برسد و برای لباس و مخارج متفرقه هم در هر سال مقداری از خود بدهم. به همین ترتیب قریب دو سال است این شهریه به آن‌ها می‌رسد. در بودجه آتیه وزارت جلیله معارف گویا آن کمک خرج در مجلس مقدس حذف شده، معلوم نیست با حقوق شخصی آن‌ها چه معامله شده و می‌شود. برای تذکر خاطر نمایندگان محترم عرضه میدارم گویا یک نفر بنده باشم که به این سختی و عسرت اولاد خود را برای خدمت به دولت و ملت حاضر می‌نمایم و الا این‌ها هم باید با یک مقدمات ناقص در اطراف میز وزارتخانه‌ها سرگردان و داوطلب خدمت باشند. به علاوه در موقعی که بر تمام نمایندگان محترم و وطن خواهان ملت ثابت شده که بقای حیوا [حیات] و استقلال مملکت منحصر به توسعه معارف و به دست آوردن جوانان تحصیل کرده است. اشخاصی که خودشان با یک زحمت فوق‌الطافه، تحمل سختی غربت و هزاران مخاطرات را کرده و وقت گرفتن نتیجه از وجود آن‌هاست به جز قطع حقوق، قطع حیاتشان را نباید کرد و البته آن خواست محترم متوجه اثراتی که

اعزام محصلین به اروپا در عهد احمدشاه قاجار / علی یویان مهر

در اروپا به این یک عده محصل و مدارسی که باید [به] این وجه از آن‌ها نگاهداری و کفالت می‌کرده‌اند می‌کند و امیدوارم پس از اندک ملاحظه جبران آن را خواهند فرمود. در این هم تردیدی نیست که اگر اولیای اطفال دارای ثروت و مکتبی باشند و از خودشان این مصارف را بنمایند کمکی به معارف و اطفال خود کرده‌اند. ولی بنده که در حالت حاضر برای زندگانی خود حیرانم هیچ‌علاجی جز صرف نظر از اطفال خود ندارم که در ممالک خارجه به حالت ذلت و فلاکت جان بدهند. زیرا استطاعت نگاهداری از آن‌ها [را] دارم و نمی‌توانم مخارج حرکت آن‌ها را متحمل بشوم. دیگر بسته به توجه و نظریات نمایندگان محترم است. صورت حقوق شخصی و کمک خرجی که از دولت داده می‌شود و بین این سه نفر تقسیم شده است کسورات به اسم معارف و غیرهها تخمیناً

حقوق شخصی	کمک خرج به اسم غلامعلی خان و ابوالحسن خان بودجه رکاب از قرار ماهی شصت تومان
غلامعلی خان خرج یزد	ابوالحسن خان خرج اصفهان

غلامعلی خان	ابوالحسن خان	قاسم خان که حقوق شخصی و کمک خرج ندارد و از حقوق عمو و برادرش خرج مینماید
یک ماهه و سالانه	یک ماهه و سالانه	چنانچه در متن عرض شده این ماهی سی تومان با نهایت قناعت خرج مدرسه و خوراک آن‌هاست. قیمت ملبوس و کتاب و مخارج متفرقه را از خود به آن‌ها می‌رسانم و افتخار دارم سه نفر اولاد خود را برای خدمت‌گذاری ملت و مملکت حاضر می‌نمایم.

[امضا] سلیمان خان است

شماره بازیابی سند ۴/۲۶/۱۳/۶

### سند شماره ۸

[جواب]

در کابینه سابق بر باقی مذاکراتی که حضرت اشرف آقای مشیرالدوله در کمیسیون مزبوره [شد] اینطور در نظر داشته که چون عده [ای] از ایرانیها مدت‌ها است تحصیلات در اروپا کرده‌اند دولت از نقطه نظر استفاده از وجود آن‌ها پیشنهادی خواهد کرد که تحصیلات خودشان را خاتمه نمایند. هنوز آن پیشنهاد نیامده و در صورتی که لازم بدانند تصویب حقوق اولاد و آقای میرزا سلیمان خان هم به شرط و پیشنهاد و نظریه دولت است.

۲ شهر ذیحجه ۴۰ نصیرالممالک

### منابع:

- سرمد، غلامعلی. *اعزام محصل به خارج از کشور در دوره قاجاریه*، تهران: چاپ و نشر بنیاد، ۱۳۷۲.
- شمیم، علی اصغر. *ایران در زمان قاجار*، تهران: انتشارات مدبر، ۱۳۷۴.
- زرگری نژاد، غلامحسین. *عباس میرزا نخستین معمار بنای نظام جدید در ایران معاصر*، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، ۱۳۸۲.
- حائری، عبدالهادی. *نخستین رویارویی‌های اندیشه‌گران ایران با دو رویه تمدن بورژوازی غرب*، تهران: امیرکبیر، ۱۳۷۷.
- دروویل، گاسپار. *سفرنامه*، ترجمه جواد محیی، تهران: گوتمبرگ، ۱۳۷۷.
- الگار، حامد. *دین و دولت در ایران*، تهران: توس، ۱۳۵۶.
- وایت، سر دنیس. *انگلیسیان در ایران*، ترجمه غلامحسین صدری افشار، تهران: انتشارات دنیا، ۱۳۵۷.
- نامه میرزا آقاسی به گیزو، *مکاتبات سیاسی ایران و فرانسه در سال ۱۲۶۳*
- آدمیت، فریدون. *فکر آزادی در نهضت مشروطیت ایران*، تهران: سخن، ۱۳۴۰.
- ناطق، هما. *ایران در راه بی‌فرهنگی*، تهران: انتشارات خاوران، ۱۳۸۶.
- زیباکلام، صادق. *سنت و مدرنیته ریشه‌یابی علل ناکامی اصلاحات و نوسازی سیاسی در ایران عصر قاجار*، تهران: روزبه، ۱۳۷۷.
- آدمیت، فریدون. *امیرکبیر و ایران*، تهران: خوارزمی، ۱۳۴۸.

تاریخ ۲۵ شعبان ۱۳۰۱ شمسی  
 مجمع طرفداران حقوق وطن

نمره ۴

معام تقدس مجلس شورای اسلامی در تهران

ابته رضا طرترم دلسر عظام ان الله بهرین است در اولین وسیله توفیق هر است توفیق بسط  
 سعادت دست و پا و چهره شکت بر شکر که در حیث آنها صواب و تخصص در صانع دهنی که الله  
 فیض است نوری و لایحه تصدیق را در مورد بچه نر مندرخصه در آن چند نفر هم ظاهر است  
 در ابدت این ملک باشد چه حرف نظر راه هر که بود با کاه بریت و هم اولاد خود می باشد

چگونه هر یک از آنها در زمانه تاریخ تصدیق چند نفر ظاهر در نصحت و مامور گشته اند  
 که در است راه چه اولاد نموده در تقصیر و شکر تقصیر این چند نفر ظاهر است و در اولاد  
 کرده تصدیق کنیم در صبر لای نایگان هم در نصیحت تصدیق ظاهر است که در اولاد در اولاد  
 که در راه آگاه باشد در کمال است اولاد وجود دعوات خاری است و عدم هر فرصت  
 منت خود را از راه و کسیر فایده در صحت و صحت در راه هر چه می شنیدند که اگر کسی فحش  
 سکه کلید ماریا اولاد نمیزد است زیرا که اولاد هر در راه با اولاد و اولاد و اولاد و اولاد  
 پیام خود را هر چه در راه با اولاد با اولاد که اولاد روزه (از طریق آثار و عینه) هر چه در

۱۵۰/۶

پیرروز از راه حروف که در راه با اولاد  
 هر که در راه با اولاد  
 در راه با اولاد

پیام بهارستان / ۴، ۳، ۱۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

دحضت در جهت طرح خود تعیین کرده لکن هرگز در برابر خانواده و حکمت خود کس از ذلت و شکست نماند  
 مگر آنکه در دران آن وقت دهانه دگرگشتت هندی فانس و صفات زردیه در پیچیده شتاب هیبت  
 این مملکت مزده - با این است که هر چه بودند این قهر طلبان اروپا انا در سراسر این سینه هم که بخیر بگذرد  
 بیتم به نصیحت در نهادت طبعیت خود را با او بدست خود در دست خود برادر و پسر که نصیب از دست  
 در راه نصیب خود را تعیین کرده و این در این راه است و با این اطفالی خسته و کالاهای شری را در دست خود  
 خود در جهت مزده و کلاه خود را در دست خود است - با این نصیب و دست خود در دست خود در دست  
 بر دست خود در جهت این خود نصیب طلبان به نصیحت برسد و این که نصیحت است آن نماند که نصیب  
 در جهت این نصیب طلبان در این راه نصیب این مملکت است همه مزده و درجه که در این مملکت  
 در پیوسته صرف مجدت در سر راه این نصیب مزده که در این درجه هم در هر نصیب است چه در راه و در راه  
 لایق نماند که عوین تعیین از این که در این راه نصیب از راه و در راه نصیب است که در نصیحت هم  
 و الله طلبان این نصیب که در این راه نصیب مزده و در هر کار با در راه نصیب است که در این راه نصیب  
 نصیب خود است در نزد این که نصیب نصیب طلبان خود را در این راه نصیب در دست زنده و از هر چه در دست  
 بر این نصیب مزده است و پیچیده این که نصیب است که در این راه نصیب است که در این راه نصیب

پیام بهارستان / د، ۴، س، ۴، ش، ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰



تاریخ: برج خرداد - سنه ۱۳۰۲  
ضمیمه: شماره ۱۹۸

وزارت معارف و اوقاف

و صنایع مستظرفه

نام محترم ریاست مجلس شورای عالی

اداره معارف  
دایره معارف

برودت شماره نمرة (۱۸۱۶۲) بضمیمه بود و در ضمن صحیح طرفه در حق  
راجح تحصیل برای بنام محمد غفر و حاصل دود و کجاها همی کار با بل  
که لایحه برای اعزام محصلین وارد مجلس است و پیشنهاد شده بود که  
و دستور می شود که با لایحه بودجه قرضی که برای معارف و اوقاف  
در ذمه محکمات و فائده است و آن که در لیست و سادگی لایحه قرار  
رضیع داشته باشد



۱۳۰۲  
پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
۱۳۰۲ / ۲ / ۱۷  
پرتال جامع علوم انسانی -  
۱۳۰۲ / ۲ / ۱۷  
۱۳۰۲ / ۲ / ۱۷

پیام بهارستان / ۲۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰



مردم ۱۵ خرداد ۱۲۹۰

معاینه بیات نیم دانه درکری تا شیب اولاد

در وقت بهنگام که خبر رسید که بفرماندهای بیات نیم دانه درکری تا شیب اولاد  
از طرفین دیگر مدتی تا دو ماه بعد که خدا ستم است بهنگام بیات نیم دانه درکری تا شیب اولاد  
چنانچه با دو سه روز نیم دانه درکری تا شیب اولاد بیات نیم دانه درکری تا شیب اولاد  
در وقت بیات نیم دانه درکری تا شیب اولاد بیات نیم دانه درکری تا شیب اولاد  
از آنکه در وقت بیات نیم دانه درکری تا شیب اولاد بیات نیم دانه درکری تا شیب اولاد  
که بیات نیم دانه درکری تا شیب اولاد بیات نیم دانه درکری تا شیب اولاد  
چنانچه بیات نیم دانه درکری تا شیب اولاد بیات نیم دانه درکری تا شیب اولاد  
که بیات نیم دانه درکری تا شیب اولاد بیات نیم دانه درکری تا شیب اولاد  
چنانچه بیات نیم دانه درکری تا شیب اولاد بیات نیم دانه درکری تا شیب اولاد

ایرانی علم داران تفتیل  
محمد علی تفتیل و سایر علماء علم داران  
میرزا نوبخت میرزا کریم  
عشر اولاد علم داران تفتیل  
میرزا علی (دانشجو بیات نیم دانه درکری تا شیب اولاد)  
مهندس بیات نیم دانه درکری تا شیب اولاد  
عشر اولاد علم داران تفتیل

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
تاسیس در شب ۱۳/۱۸/۱۳۰۴  
پژوهشگاه علوم انسانی  
موسسه پژوهش و توسعه اجتماعی اسلامی  
موسسه تخصصی زبان و ترجمه

پیام بهارستان / د ۴، س ۴، ش ۱۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

سند شماره ۳

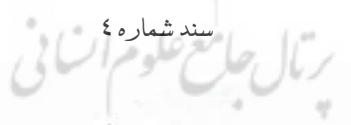
طهران  
مجمع طرفداران حقوق وطن

تاریخ ۲۵ - شهریور ۱۳۰۴

نمبره ۱  
اینان تاجران - یک دانش سرتیبه ای در علم است در نظر صریح و صدق مندرج است  
در کتب فلسفه حکمت خود تصدیق دارد و با ابروی نیمه در کتب فلسفه فیاض کتب تصدیق  
سرتیبه صلیبی ابراهیم نموده در چند سال خدمت تصدیق اعلامی در این راه کتب و در یاد تصدیق میزبان  
رودادند هرگز نبوده. هم چنین در کتب دیگر در کتب یادین است در این خود در این خدمت است  
کتاب در حکمت خود در این است هرگز در این خدمت در این کتاب تصدیق دلد - با تصدیق است  
مهم کدریت از طرف کتب این اعلام است که در این راه با این خدمت تصدیق است در این هم اعلام  
این هر کس تصدیق داده شاعت در؟

به بیست در صورتیکه ما هم با پنج صدمه هر روز نماند با در علم صدقه مندرج این تاجران است  
رابطت پیشرفت در علم و سرتیبه در کتب این است که تصدیق در علم در علم و سرتیبه  
در این تاجران تصدیق در این است که در علم در علم و سرتیبه در علم در علم و سرتیبه  
در علم هم در این تاجران تصدیق در علم در علم و سرتیبه در علم در علم و سرتیبه  
مهم تصدیق هم در علم در علم و سرتیبه در علم در علم و سرتیبه در علم در علم و سرتیبه

سند شماره ۴



لا اله الا الله محمد رسول الله  
مجمع طرفداران حقوق وطن  
شماره ۴ - ۲

پیام بهارستان / د. س. ۴، ش. ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

سند شماره ۴-۲



- ۱- چون نشان دادند که این امر در ایران دشوار است پس از تقاضای کمالات سعادت و تکالیف قیمه که در روز و خدمت کبر نموده همراه بودند در روز نخست آنها چیزی برای ایران باقی نماند.
- ۲- نظر به این که در این وقت در آنجا بسیار کمالات و کمال بود و در آنجا بسیار کمالات و کمال بود و در آنجا بسیار کمالات و کمال بود و در آنجا بسیار کمالات و کمال بود.
- ۳- در این زمان که ایران در آن وقت در آنجا بسیار کمالات و کمال بود و در آنجا بسیار کمالات و کمال بود و در آنجا بسیار کمالات و کمال بود.
- ۴- در این زمان که ایران در آن وقت در آنجا بسیار کمالات و کمال بود و در آنجا بسیار کمالات و کمال بود و در آنجا بسیار کمالات و کمال بود.
- ۵- در این زمان که ایران در آن وقت در آنجا بسیار کمالات و کمال بود و در آنجا بسیار کمالات و کمال بود و در آنجا بسیار کمالات و کمال بود.

مقدار آن حوزراتی کرده باشند تا به طریق دیگر با رفیق زبان که مسلمات ادیان آن وقت نژاد و صفا در نزد کلام بر روزه  
 دشت بدست در سر از وضع مملکت خود را با همکس تمدن تصدیق و سیب تائید است از آن در کلام نماند بر این نیز منصرف ننماید  
 محصلین نیز تا هر چه میسر شود با دین بعضی شرایط از میان سختین فخر در این دوران ادوات در راه آرزوی شایسته که در این  
 لحاظ مصلحت اندکان در این مصلحت شایسته که در این مصلحت خود را در روزگار نماند چنانچه سال است در راه آرزوی شایسته  
 بوده و حال نیز می باشد در درگاه به پیشین در راه آرزوی شایسته که در این مصلحت خود را در روزگار نماند چنانچه سال است  
 در راه آرزوی شایسته -

- ۱- یکصد نفر مستخدمین در ادوات که با این چهار نفر باشد با دریا یا ابراهیم میزنند .
  - ۲- این چهار نفر از میان شایسته میزنند که با دریا و در راه در ادوات مصلحت شایسته شکر نموده و کلام  
 خارجی را بطرز دیگر میزنند و حتی آموخته در ادوات که در شکر خدایتان میزنند و در راه آرزوی شایسته
  - ۳- مستخدمین از در مصلحت بطور شایسته در ادوات که در شکر خدایتان میزنند و در راه آرزوی شایسته  
 میزنند که در این مصلحت شایسته که در این مصلحت خود را در روزگار نماند چنانچه سال است در راه آرزوی شایسته  
 در راه آرزوی شایسته -
  - ۴- در دست ممانعت در راه آرزوی شایسته که در این مصلحت شایسته که در این مصلحت خود را در روزگار نماند چنانچه سال است  
 در راه آرزوی شایسته -
  - ۵- در طرف دست در راه آرزوی شایسته که در این مصلحت شایسته که در این مصلحت خود را در روزگار نماند چنانچه سال است  
 در راه آرزوی شایسته -
  - ۶- مستخدمین در مسافرت می نمایند که در ادوات که در شکر خدایتان میزنند و در راه آرزوی شایسته  
 در راه آرزوی شایسته -
- چنانچه در مصلحت فرمایند در راه آرزوی شایسته که در این مصلحت شایسته که در این مصلحت خود را در روزگار نماند چنانچه سال است  
 که در ادوات مملکت خود را می نمایند که در ادوات که در شکر خدایتان میزنند و در راه آرزوی شایسته

پیام بهارستان / د، س، ۴، ش، ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

سختی و بدامانی که بر سر من و برادرانم که در راه علم و کسب علم در راه دور است  
نیز در فراق پدر و مادر و خانواده من بسیار است و خواهانم که شما را از این  
دشواران دور در راه دور با بنده در حبس و بنایت با دردت باین قدم را اندام می نمایم  
مستحق و مستحقم را با هر چه زودتر در دل دردت هرگز برای با دردت جلاها کلمه می نمایم  
بر آن قصد است بر پیشانی و تقدس در راه دور ای ما تقدیم و ایم

بسم الله الرحمن الرحیم  
باید که از این راه دور در دل دردت هرگز برای با دردت جلاها کلمه می نمایم  
بر آن قصد است بر پیشانی و تقدس در راه دور ای ما تقدیم و ایم

در راه دور

سید محمد

بسم الله الرحمن الرحیم

در راه دور

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم

حیاتی جلا

بسم الله الرحمن الرحیم  
بسم الله الرحمن الرحیم  
بسم الله الرحمن الرحیم  
بسم الله الرحمن الرحیم  
بسم الله الرحمن الرحیم

بسم الله الرحمن الرحیم  
بسم الله الرحمن الرحیم  
بسم الله الرحمن الرحیم  
بسم الله الرحمن الرحیم  
بسم الله الرحمن الرحیم

پیام بهارستان / س. ۴، ش. ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰

۱۱/۱/۱۱

مقام نسیح حضرت شرف آقای میرزا محمد علی قزوینی

چون طرفدار بوده حضرت شرف را به هم که مصلحت معطف و توجه نیدارم بپردازم  
 بر این نظر بزرگ عرض کنیم چنانچه مصلحتی را که بر این مصلحت در پی نداشتیم  
 پیشینداد کرده این فردی سید فتح الله صاحب در این مصلحت در پی نداشتیم  
 که پسر آقای عزیز و در این مصلحت در پی نداشتیم  
 دستهای در این مصلحت در پی نداشتیم  
 صادر شده که بنده را در این مصلحت در پی نداشتیم  
 که در این مصلحت در پی نداشتیم  
 در این مصلحت در پی نداشتیم  
 در این مصلحت در پی نداشتیم

رسال جامع علوم انسانی

جواب فرموده به من کلام در باره  
 اگر رساله ای بود

پیام بهارستان / ۲۳، ۲۴، ۲۵ ش / پاییز ۱۳۹۰

۱۳۰۰

بمقتضای محبت از آن آقا که است که بفرستد این محفل را در این

یک برادر در سر بنده در اردو با کسب غایت و تقویانه و مالک است زنده آنجا که قریب به صد سال است از این قریب  
 با دراز شده قهر که کاد بعد از در رشته تقویانه و تقویانه که در این راه به پیش از رحمت نماند زنده و قدیم از پیش از  
 اقامت محفل است در رشته نماند دارد خواهد بود و مال قهرمان و سعادت از خود خارج می‌دارم و قهرمان  
 حقوق بر روی می‌دهد داشته در ضمنی که در نهایت خارج کسب می‌دارد پس از آنکه در کماله در اردو است  
 در این راه و بی‌خوابی بر آن در افروزه کردیم زنده با در کسب می‌دارد در محفل است زنده آنجا که قریب به صد سال است  
 نصیب آن در کماله آنرا کسب می‌دارم با کسب می‌دارم که در این راه به پیش از رحمت نماند زنده و قدیم از پیش از  
 شکر خورشید غنیمت کسب می‌دارد بطوریکه زنده آنجا که قریب به صد سال است زنده آنجا که قریب به صد سال است  
 ملاحظه که در این راه به پیش از رحمت نماند زنده و قدیم از پیش از رحمت نماند زنده و قدیم از پیش از  
 پس از آن قریب به صد سال است از این قریب به صد سال است از این قریب به صد سال است از این قریب به صد سال است  
 در این محفل خدای شکر که در این راه به پیش از رحمت نماند زنده و قدیم از پیش از رحمت نماند زنده و قدیم از پیش از  
 قهرمان سعادت می‌دارم که کسب می‌دارم با کسب می‌دارم که در این راه به پیش از رحمت نماند زنده و قدیم از پیش از  
 می‌دارم و الله اعلم باید باین محفل است تا بعد از طرف نیز در این راه به پیش از رحمت نماند زنده و قدیم از پیش از  
 سلطه در رهنده بر آن نماند که در این راه به پیش از رحمت نماند زنده و قدیم از پیش از رحمت نماند زنده و قدیم از پیش از  
 منحصراً بر کسب می‌دارم در این راه به پیش از رحمت نماند زنده و قدیم از پیش از رحمت نماند زنده و قدیم از پیش از  
 قهرمان سعادت می‌دارم که کسب می‌دارم با کسب می‌دارم که در این راه به پیش از رحمت نماند زنده و قدیم از پیش از  
 نباید بود و الله اعلم باید باین محفل است تا بعد از طرف نیز در این راه به پیش از رحمت نماند زنده و قدیم از پیش از  
 کسب می‌دارم که کسب می‌دارم با کسب می‌دارم که در این راه به پیش از رحمت نماند زنده و قدیم از پیش از  
 در این راه به پیش از رحمت نماند زنده و قدیم از پیش از رحمت نماند زنده و قدیم از پیش از رحمت نماند زنده و قدیم از پیش از

پیام بهارستان / ۲۰، ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰





در کماله سابق سراجی ندانم آنکه حضرت کبریا آن سراجی کرم  
 در کماله سابق سراجی ندانم آنکه حضرت کبریا آن سراجی کرم  
 در کماله سابق سراجی ندانم آنکه حضرت کبریا آن سراجی کرم  
 در کماله سابق سراجی ندانم آنکه حضرت کبریا آن سراجی کرم  
 در کماله سابق سراجی ندانم آنکه حضرت کبریا آن سراجی کرم  
 در کماله سابق سراجی ندانم آنکه حضرت کبریا آن سراجی کرم  
 در کماله سابق سراجی ندانم آنکه حضرت کبریا آن سراجی کرم  
 در کماله سابق سراجی ندانم آنکه حضرت کبریا آن سراجی کرم  
 در کماله سابق سراجی ندانم آنکه حضرت کبریا آن سراجی کرم  
 در کماله سابق سراجی ندانم آنکه حضرت کبریا آن سراجی کرم

ایستاد وزیر امور خارجه

پیام بهارستان / ۲۴، س ۴، ش ۱۳ / پاییز ۱۳۹۰